

هانس کریستین آندرسن



هانس کریستین آندرسن نویسنده مشهور داستانهای کودکان و نوجوانان و خالق قصه هایی چون " جوجه اردک زشت " و " دخترک کبریت فروش " است. هانس کریستین آندرسون در دوم آوریل ۱۸۰۵ در شهرک اودنسه در کشور دانمارک به دنیا آمد. مادرش رختشوی بود و پدرش پینه دوز. خانه ای که آندرسن در آن به دنیا آمد بر جای نمانده است اما جایی که در آن بزرگ شده هنوز باقی است. در پیچ و خم های کناره رودخانه همین شهر کوچک هانس با طبیعت عجیب شد و راه و رسم زندگی ساده ، قدیمی و روستایی مردم آنجا، بر غنای افسانه هایش افزود. آندرسن می نویسد: « گویی من در زمانهای دور زندگی کرده ام.» هانس هشت ساله بود که پدرش به ارتش نا پلئون پیوست. پدر سلامتی خود را از کف داد و زود به خانه بازگشت و سه سال بعد از همین بیماری در گذشت. پدری که او را با آثار نمایشنامه نویسان بزرگ دانمارک و داستانهای هزار و یکشب آشنا کرد. با مرگ پدر، روزگار خوش شنیدن افسانه ها در خانه فقیرانه اما گرم و پر از مهر و محبت نیز پایان یافت و هانس کوچک وارد بازار بی رحمی کار شد: شاگرد بافنده ، شاگرد خیاط، کار گر کارخانه تنباکو و... اما سرنوشت او له شدن در زیر چرخهای بی شفقت نبود. خود نمی خواست، نمی پذیرفت که سر نوشتش این باشد؛ و از آنجا که چشمی جستجو گر و اراده ای بی بازگشت داشت، روزن پرواز را یافت: هنر! رشته نور هایی که او را به سوی این روزن رهنمون شد. کتاب بود و تئاتر. بخت ، دیگر او وجود یک تئاتر در اودنسه بود و نیز تئاتر سلطنتی کپنهاک، هانس زود خیلی زود به رشته های نور آویخت و پرواز شگفت انگیز خود را آغاز کرد. چهارم سپتامبر ۱۸۱۹ آندرسن چهارده ساله به کپنهاگ رفت تا بخت خود را در تئاتر بیازماید. سه سال نخست برای او سالهای مبارزه ، مرگ و زندگی بود. سالهای تلاش دشوار و نومیدانه برای یافتن یک جا پا به عنوان خواننده، بازیگر، رقصنده باله، و با لاخره نمایشنامه نویس ؛ و این آخری باعث شد تا مدیران تئاتر او را به مدرسه بفرستند. هانس در کپنهاگ حامیانی پیدا کرد و با رفت و آمد به خانه های آنان امکان یافت در همان حال که شاهد، مبارزه پایین ترین اقشار زحمتکش برای بقا زیر خط فقر بود،

با بالاترین لایحه های سرمایه دار پایتخت نیز آشنا شود . در همه این سالها آندرسن جوان فقط یک هدف داشت ، در عرصه هنر پیش برود و پیش برود. او شهر کوچک و دنیای محدود خود را ترک کرد بی آنکه در دنیای برتر (پایتخت) جایی داشته باشد. این همان راه دردناک اما رو به سوی بالا نیست که پری کوچک دریایی نیز تجربه می کند؟ تحصیل در السینور (این شهر شما را به یاد هاملت نمی اندازد؟) و کپنهاک از آندرسن زحمت کش کم سواد مرد تحصیلکرده و با فرهنگی ساخت که در آخرین سالهای عصر طلایی به حلقه سرمایه داری راه یافت. تاثیر این دو قطب در تمامی افسانه های آندرسن آشکار شد. آندرسن از ۲۲ سالگی سفر های خود را به عنوان نویسنده و شاعر آغاز کرد . پنج سال بعد در ۱۸۳۳ در دانمارک مورد توجه قرار گرفت و حکومت دانمارک هزینه سفرهای او را پذیرفت تا تجربه اش را گرد آوری و منتشر کند از این پس زندگی آندرسن از نظر مالی تغییر کرد و این درست زمانی بود که مادرش، آن ماری آندرسن داتر در یک نواخانه جان سپرد

آندرسن به حق لقب پدر ادبیات کودک را دارد، بزرگترین جایزه ادبیات کودکان به نام اوست. و آثارش تا کنون به بیش از صد و پنجاه زبان ترجمه و بارها و بارها به شکل های گونه گونه تجدید چاپ شده است